

دانش بومی استفاده از بلوط در شهرستان ممسنی^۱

مصطفی ازکیا*

جلال یوسفی☆

چکیده

علی‌رغم نیاز روزافزون جوامع روستایی به کاربرد تکنولوژی جدید، پذیرش تکنولوژی در روستاها بسیار اندک است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که علت این عدم پذیرش عدم تناسب تکنولوژی با شرایط محیطی روستاهاست. صاحب‌نظران توسعه معتقدند برای پذیرش این فن‌آوری استفاده از دانش بومی راهگشاست.

این مقاله سعی دارد تا یک جنبه از دانش بومی را در شهرستان ممسنی بررسی کند. این مقاله ضمن برشمردن انواع بلوط، پراکندگی جغرافیایی و بررسی آن از نظر گیاه‌شناسی به اهمیت و ابعاد مختلف کاربرد بلوط ایرانی در دانش بومی مردم ممسنی می‌پردازد. این مقاله نشان می‌دهد که از اجزای مختلف بلوط مانند جفت، پوست، مغز و برگ در دانش بومی مردم استفاده‌های فراوان می‌شود.

بنابراین، مصلحان روستایی، به‌عنوان کسانی که در امر توسعه روستایی نقش دارند، و قادرند در فرایند برنامه‌ریزی روستایی جهت توسعه آن شرکت کنند، اگر به این دانش که بومی است و با ساختارهای روستا هماهنگ است توجه کنند، با انطباق آن با شرایط جدید می‌توانند گام‌های مؤثری در توسعه روستایی بردارند. علاقه‌مندان به بررسی فرهنگ جوامع هم می‌توانند با استفاده از چنین اطلاعاتی، شناخت بیشتری از فرهنگ جامعه مورد نظر پیدا کنند.

واژگان کلیدی: دانش بومی، بلوط، تانن، جفت، کلگ، توسعه روستایی.

۱. برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد (در رشته توسعه روستایی) تحت عنوان «دانش بومی استفاده از بلوط در شهرستان ممسنی» به راهنمایی مصطفی ازکیا، نوشته جلال یوسفی.
* استاد گروه توسعه روستایی، دانشگاه تهران.
☆ کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران.

مقدمه

امروزه ابداع و استفاده از فن‌آوری‌های کاربردی در زمینه‌های مختلف کشاورزی گسترش قابل توجهی دارد. آرایه‌ای این فن‌آوری‌ها به کشاورزان و بهره‌برداران روستایی نیز روند فزاینده‌ای یافته است. علی‌رغم نیاز روزافزون جوامع روستایی و کشاورزی به توسعه و کاربرد تکنولوژی جدید، «از بررسی‌های به‌عمل آمده در نقاطی از دنیا چنین برمی‌آید که علم و معرفت دانشمندان غربی رو به تحلیل رفته است» (چمبرز، ۹۸) و تجربه‌های موجود بیانگر این واقعیت است که فن‌آوری‌های آرایه شده به جوامع روستایی عموماً کاربرد قابل قبولی نداشته و میزان پذیرش بسیار اندک است (مجله جهاد شماره ۲۴۴-۲۴۵: ۶۲). زیرا چنین تکنولوژی‌هایی خارج از روستا به وجود می‌آید و از نظر شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی تفاوت زیادی با شرایط جامعه روستایی ندارد. به نظر می‌رسد برای افزایش کارایی و تقویت جنبه‌های کاربردی فن‌آوری‌های آرایه شده به جوامع روستایی، استفاده از دانش بومی این جوامع راه‌گشا باشد. چون دانش بومی یا فن‌آوری‌ها و شیوه‌های بومی آشنا و مأنوس است و شناخت و حفظ چنین شیوه‌هایی، به این علت که از منابع محلی برخاسته است، نسبت به فن‌آوری‌ها و شیوه‌های وارداتی برای استفاده مردم بومی مناسب‌تر است.

مصلحان روستایی به‌عنوان کسانی که در امر توسعه روستایی دخیل‌اند اگر بتوانند در فرایند برنامه‌ریزی روستایی جهت توسعه آن به دانش بومی که با ساختارهای روستا عجین می‌باشد توجه نمایند می‌توانند گام‌های مؤثری در توسعه روستایی بردارند. دانش بومی جنبه‌های مختلفی دارد. از این جنبه‌ها می‌توان به بهداشت و درمان، گیاه پزشکی، دامداری و کشاورزی، صنعت و حرفه و امور غیر حرفه‌ای اشاره کرد.

دانش بومی استفاده از بلوط از مواردی است که قابل بررسی است. درخت بلوط یکی از درختان جنگلی است که بدون نگهداری و زحمت زیاد دارای طیف وسیعی از محصولات متنوع خوراکی، دارویی و صنعتی است. این درخت در برخی مناطق در اقتصاد مردم روستا از جایگاه خاصی برخوردار است و در صورت آرایه راهکارهای استفاده صحیح حتی می‌تواند در گروه محصولاتی باشد که جایگزین محصولات استراتژیکی چون گندم گردد.

در شهرستان ممسنی درخت بلوط فراوان است و از بارزترین و مفیدترین گیاهان جنگلی است که مردم این دیار از دیرباز در زمینه‌های متنوعی از این نعمت طبیعی استفاده کرده‌اند. این درخت می‌تواند در زمینه‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد. بهره‌برداری مجدد از آن و احیای مجدد آن، در زمینه‌های گوناگونی چون زمینه اقتصادی و اشتغال‌زایی، افزایش درآمد، تأمین خوراک دام، تأمین مواد غذایی انسان، حفظ محیط زیست، جنبه‌های دارویی،

دباغی و چرم‌سازی، رنگرزی و... می‌تواند دارای اهمیت باشد.

تعریف دانش بومی

با توجه به موضوع مقاله، ابتدا به‌طور مختصر پیرامون سابقه دانش بومی و نقش آن در توسعه روستایی مطالبی را ذکر کرده و سپس به سابقه مطالعه بلوط می‌پردازیم. نظرات ارائه شده به‌طور کلی در سه زمینه تعریف، ویژگی‌ها و گونه‌شناسی دانش بومی است. با توجه به گستردگی تعاریف، در مقاله حاضر دانش بومی با تعریف زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

دانش بومی دانشی است که طی زمان در یک جامعه با توجه به فرهنگ خاص آن شکل گرفته و مبتنی بر تجربه، آزمون عملی و غیررسمی بوده و به‌صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه به نسل حاضر منتقل شده است.

امروزه صاحب‌نظران استفاده مجدد از دانش بومی را در توسعه پایدار به صورت مشروط پذیرفته‌اند و شرط پذیرش این دانش را زدودن جنبه‌های منفی از دانش بومی و به‌کارگیری دانش بومی و نوین به‌صورت تلفیقی دانسته‌اند.

دانش بومی در ایران

در ایران این دانش بسیار غنی است و در ابعاد گوناگون از گذشته‌های دور مورد استفاده قرار می‌گرفته است که از جمله این جنبه‌ها می‌توان به جنبه‌های: پزشکی، گیاه‌شناسی، روان‌شناسی، کشاورزی و باغداری... اشاره کرد.

در مناطق کویری و نیمه کویری در خصوص مسائل کشاورزی، نویسندگان به بیش از ۱۶ نوع کود و محل و نحوه استفاده از آن اشاره کرده‌اند (رزاقی، ۱۳۷۸: ۶۷). به‌عنوان مثال استفاده از ضایعات کارخانه‌های پارچه‌بافی و کارگاه‌های خیاطی که هم رطوبت را به‌مدت زیادتری در زمین نگه می‌دارد و هم سبب نرمی و پوکی خاک می‌شود (همان: ۶۸). و همچنین استفاده از کیوترخانه‌ها در اصفهان جهت استفاده از کود آنان نمونه دیگری از دانش بومی ایرانیان است. روستاییان در مناطق کویری آب نهرها را گل‌آلود می‌کنند و با غلیظ کردن آب از رسوبات آن در مسیر نهرها می‌کاهند و همچنین به این طریق، با کمترین انرژی و سرمایه، مواد معدنی تقویت‌کننده خاک را به باغ‌ها و مزارع خود هدایت می‌کنند. در مناطق مختلفی، از جمله بوشهر گرگان، آب سقف منازل را به آب انبارها هدایت می‌کرده‌اند، و در مواقع تابستان از آن استفاده می‌نمودند روستاییان و عشایر سیرجان و بافت حدود ۳۰ نوع باران و ۲۵ گونه ابر می‌شناسند و

برای شناسایی گوسفندانشان براساس جنس و سن و رنگ و حالت و اندام‌ها و رفتار آن‌ها صدها نام دارند (همان: ۶۸).

شیرواره به‌عنوان سیستمی سنتی که مردم عشایر و روستائینان دامدار به‌منظور استفاده بهینه از شیر حیوانات آن را به‌وجود آورده‌اند، نیز نمونه دیگری از دانش مردم این مرز و بوم می‌باشد. در ممسنی و بویراحمد چند خانوار شیرهای خود را هرکدام در ظرفی به نام پیمانان می‌ریختند و برای اندازه‌گیری از چوبی به نام نکار استفاده می‌کردند. «نکار تکه چوبی است که قسمت اصلی آن تقریباً صاف و قسمت بالایی آن دو شاخه می‌شود و یا باگره (برجستگی) و یا یک عارضه طبیعی که در چوب است دو قسمت چوب را از هم متمایز نمایند...» (صفی‌نژاد، ۱۳۷۵، ۶۵).

از همه مهم‌تر، وجود فنات‌هاست که به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران ایرانی و خارجی یکی از شگفت‌انگیزترین و پرسودترین اختراع ایرانیان برای خود و جهانیان بوده است. عشایر و روستاییان شهرستان ممسنی برای دام‌هایشان نام‌های مختلفی در فرهنگ خود دارند که با این نام‌ها به راحتی دام‌هایشان را شناسایی می‌کنند. برای بز حدود ۱۰ نام، برای گوسفندان بیش از ۷ نام، برای الاغ بیش از ۵ نام و برای گاو نیز حدود ۵ نام وجود دارد.

همچنین در شهرستان ممسنی مردم روستاها در مسیر چشمه‌ها و جویبارها حوضچه‌ها و حوض‌هایی می‌ساختند تا ضمن جلوگیری از هدر رفتن آب از آن استفاده بهینه کنند. وجود روش‌های سنتی یاری‌گری، چون یاری‌گری در آبیاری، باغداری، مراسم اجتماعی، بینه و... نمونه‌هایی از یاری‌گری‌هایی هستند که مردم روستائین و عشایر ایران به‌عنوان علم بومی از آن استفاده می‌کردند.

پیشینه تحقیق درباره بلوط

درباره بلوط در ایران مطالعه زیادی صورت نگرفته است. در زیر به مطالعات صورت گرفته به اختصار اشاره می‌شود. از دانشمندانی که بلوط‌ها را مورد مطالعه قرار داده‌اند کامو^۱، دانشمند فرانسوی است که در سال‌های ۱۹۳۶-۳۸ به تهیه منوگرافی گونه‌ها و واریته‌های بلوط جهان و از جمله ایران پرداخت. زهری دانشمند اسرائیلی نیز در سال‌های ۱۹۶۱-۶۳ مطالعاتی درباره بلوط‌های ایران منتشر ساخت. جوانشیر نیز در سال ۱۹۶۷ گونه‌های موجود بلوط ایران را مورد

1. A. Camus

مطالعه قرار داد. وی همچنین در سال ۱۳۴۹ در نشریه دانشکده منابع طبیعی (شماره ۱۷) طبقه‌بندی جدیدی به گونه‌های بلوط داده است.

دو دانشمند روسی به نام‌های منیتسکی^۱ و بروویتس^۲ در سال‌های ۱۹۷۱ در فلورا پراسیکا مقاله‌ای منتشر ساخته و تغییرات زیادی در گونه‌های قبلی پیدا کرده‌اند، ولی در همان حدود باقی مانده و نسبت به استفاده از بلوط و... اشاره نشده است (متوسلیان، ۱۳۵۷: ۴).

دکتر حبیب‌الله ثابتی نیز ضمن مطالعات گونه‌های آذربایجان و سردشت، چند گونه جدید را جمع‌آوری نموده است. این مطالعه نیز در حد مونوگرافی باقی مانده است. البته دکتر ثابتی در کتاب جنگل‌های ایران (۱۳۴۶) ضمن بر شمردن خصوصیات کلی بلوط، چند سطری درباره وضعیت اکولوژیکی آن نیز نوشته است.

مهرداد بیگی مقالات ارائه شده در سمیناری در یاسوج در سال ۱۳۶۱ را جمع‌آوری کرده و تحت عنوان «نگاهی به اوضاع طبیعی و کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد» (سخنرانی در سمینار کاربرد بلوط در تغذیه دام و صنایع) منتشر کرده است. این کتاب شامل طرح پیشنهادی تهیه مواد غذایی دام و طیور از میوه بلوط در استان کهگیلویه و بویر احمد و نیز مقالاتی است که درباره استفاده از بلوط در تغذیه دام و طیور و همچنین استفاده از اجزا بلوط و تانن آن در چرم‌سازی و نیز تجزیه شیمیایی بلوط ایرانی و امکان استفاده از آن است.

در سال‌های اخیر دانشجویان در پایان‌نامه‌هایشان کارهایی در رابطه با بلوط انجام داده‌اند. موارد زیر از این دسته‌اند: ۱. فروغ احمدی، بررسی عوامل بیماری‌زای ملخ بال کوتاه ایرانی در استان کهگیلویه و بویر احمد؛ ۲. رسول علی اشرافی پور، بررسی و تعیین مناسب‌ترین ابعاد شبکه آماربرداری و سطح قطعه نمونه در جنگل‌های بلوط ممرزستان (منطقه لوه)؛ ۳. علی محمد پورعسکری، تعیین بهترین توکم کشت بذر گونه‌های افرا (پلت) و بلوط (بلند سازو)؛ ۴. جواد ترکمن، آنالیز مواد استخراجی پوست پنج‌گونه از درختان پهن برگ ایرانی؛ ۵. محمدحسین توکل، کاربرد عکس‌های هوایی به منظور بررسی‌های کمی در جنگل‌های غرب ایران (منطقه نوژیان)؛ ۶. اصغر حج‌گزار، تأثیر باکتری برلینتر^۳ بر روی جوانه خوار بلوط^۴ و مقایسه آن با سموم شیمیایی؛ ۷. علی اصغر دردایی، بررسی تأثیر لپیون^۵ و دیمیلین^۶ بر روی لاروهای دم‌قهوه‌ای بلوط^۷... در شرایط گلخانه‌ای؛ ۸. داود درگاهی، بررسی خصوصیات مورفولوژیک و

1. Menitsky

2. Browicz

3. Berliner

4. Linne

5. Lepion

6. Dimilin

7. (L.) Lep & Lymantridae

جنگل‌شناسی بلوط در ارتفاعات مختلف (جنگل‌های منطقه گرگان)؛ ۹. حبیب دهقان منشادی مطالعه و بررسی امکان افزایش عمر مفید تراورس‌های راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۰. غلامرضا عرفانیان، بررسی امکان تکثیر و رویش (قلمه) سه‌گونه درختان جنگلی افرا پلت-نمدار-بلوط بلند مازوی جنگل‌های زرین علی‌آباد کتول؛ ۱۱. علیرضا عشوری، دومین برنامه خشک کردن چوب بلوط (به ضخامت ۲۵ میلی‌متر)؛ اصغر فلاح، مقایسه نمونه‌برداری با قطعات نمونه دارای مساحت ثابت و قطعات نمونه دارای مساحت متغیر (رلاسکوب) در جنگل‌های بلوط شمال (لوه گرگان؛ خدیجه کیارستمی، تان‌ها در کشت بافت و گیاه بلوط)؛ ۱۲. محمود متوسلیان، اندازه‌گیری مواد مغز دانه بلوط و بررسی ارزش غذایی و دارویی؛ ۱۳. ناصر مهاجر، بررسی وضعیت حیات طبیعی بلوط بلند مازو در طرح جنگل‌داری لوه؛ ۱۴. رضا موسوی، بررسی و تعیین قطر و سن بهره‌برداری اقتصادی بلوط (بلند مازو) طرح جنگل‌داری؛ ۱۵. حیدر میرزایی، تاج پوششی جنگل بر زیر اشکوب مرتعی در جنگل‌های بلوط غرب (کرمانشاه)؛ ۱۶. بابک نصرتی، بررسی مقایسه‌ای کامپیوم بخش سالم با بخش سرطانی بلند مازو؛ ۱۷. مسعود یوسفی، بررسی اثر تعرضات انسان و دام بر ساختار جنگل‌های بلوط یاسوج (منطقه پاتاوه).

مطالعه حاضر علاوه بر بهره‌گیری از مطالعات فوق در زمینه‌هایی چون پراکندگی جمعیتی بلوط در دنیا و ایران، گیاه‌شناسی بلوط، به بررسی دانش بومی استفاده از بلوط و انطباق آن با دانش نوین می‌پردازد.

شیوه بررسی

در تحقیق حاضر بخش عمده اطلاعات با استفاده از روش میدانی گردآوری شده است. برای گردآوری این اطلاعات از تکنیک‌هایی چون مشاهده مشارکتی، مشاهده مستقیم و مصاحبه باز استفاده شده است. همچنین در این تحقیق در جمع‌آوری بعضی اطلاعات از روش اسنادی بهره‌برداری شده است.

جامعه آماری

در این تحقیق جامعه آماری شهرستان ممسنی از توابع استان فارس می‌باشد که در مورد آن در سطور آینده توضیح داده خواهد شد.

شناخت بلوط (بلوط‌شناسی)

به‌طور کلی، بلوط به سه دسته تقسیم می‌شود که شرح هر کدام در زیر می‌آید: بلند مازو (دار مازو): این درخت در جنگل‌ها به شکل گروهی است و تا ۱۰۰۰ متر از سطح دریا می‌روید، درختی است تنومند که ارتفاع آن به ۴۰ متر و قطر آن به ۳ متر می‌رسد (ثابتی، ۱۳۴۶: ۱۱۳). «میوه بلند مازو درشت، بیضوی و به شکل کشیده است و در داخل پیاله‌ای سخت و استخوانی قرار گرفته است» (همان: ۱۱۴).

شاه بلوط: درختی است با ریشه‌ای عمودی و عمیق و ساقه‌ای بلند و برگ‌های پهن و در حاشیه دندانه‌دار و دارای گوشوارک است. گل‌ها تک جنسی بوده و در گل آذین دم‌گربه‌ای مجتمع می‌شوند. گل‌های نر در سنبله‌های دم‌گربه‌ای کوتاهی جمع می‌شوند که گاه پایین آن‌ها سنبله‌های دم‌گربه‌ای کوچک دیگری همراه با گل‌های نر و ماده دیده می‌شوند.

شاه بلوط را به ۴ دسته تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: شاه بلوط آمریکایی^۲، شاه بلوط چینی^۳، شاه بلوط شیرین یا اروپایی^۴، شاه بلوط ژاپنی^۵.

بلوط ایرانی: این درخت معمولاً به‌طور طبیعی و خود رو در جنگل‌های معتدل کوهستانی تحت تأثیر آب و هوای مدیترانه‌ای می‌روید. برگ و شاخه‌های کرک‌دار دارد. از این رو برگ‌های آن خاکستری متمایل به سبز است. دارای برگ‌های چرمی بود. و شکل برگ‌ها تخم‌مرغی و دارای قاعده‌ای قلبی شکل هستند. بلوط ایرانی یک پایه دارای گل‌های نر و ماده است که از هم جدا هستند و بر روی یک درخت قرار دارند و با ارتفاع بین ۳-۴ متر بارور شده و میوه می‌دهد. میوه‌اش بیضوی است و حدود ۱۵ تا ۲۰ گرم وزن دارد و به صورت کپسول در درون پیاله قرار دارد.

این نوع بلوط عمری طولانی داشته و سازمان خواربار جهانی عمر آن‌ها را بین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ سال برآورد کرده است^۶. بلوط مورد نظر در تحقیق حاضر همین نوع بلوط است.

میوه بلوط ایرانی از دو جزء پیاله و کپسول تشکیل شده و کپسول نیز دارای سه قسمت است. پوسته خارجی که دور کپسول را فرا گرفته است و حدود ۷٪ وزن میوه را به خود اختصاص می‌دهد. جفت (تانن) پوست نازکی است که به دور مغز پیچیده است (دومین پوست دانه) و در منطقه مورد مطالعه ۳٪ میوه خشک را شامل می‌شود. یعنی از هر یک کیلوگرم بلوط

1. *Castanea sativa*

2. *Castanea deden tata*

3. *Castanea molliissima*

4. *Castanea molliissima*

5. *Castanea Creanat*

۶. صاحبه با کارشناسان اداره منابع طبیعی ممسنی در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۹.

خشک ۳۰ گرم جفت (تانن) خشک به دست می‌آید. مغز بلوط آخرین قشر دانهٔ بلوط است. مغز زمانی که هنوز خشک نشده است نرم بوده، ولی پس از خشک شدن سفت می‌شود. هرچه از زمان جمع‌آوری بلوط بگذرد، به دلیل تیخیر آب درونی آن، از وزن مغز کاسته می‌شود. چون ۴۰٪ میوهٔ کال بلوط را آب و املاح تشکیل می‌دهد.

پراکندگی جغرافیایی: درختان بلوط از لحاظ رشد تابع شرایط خاص آب و هوایی هستند. آب و هوای معتدل شمالی و آب و هوای کوهستانی معتدل برای رشد این گیاه مناسب است. از طرف دیگر، این درختان در ارتفاع ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ متر از سطح دریا می‌رویند، از این‌رو باید رویشگاه این گیاه را در جاهایی از جهان جست‌وجو کرد که دارای چنین شرایطی است، بنابراین، درخت بلوط در نقاطی از قاره‌های آسیا، اروپا و آمریکا که دارای شرایط فوق باشند می‌روید. در ایران درخت بلند مازو و شاه بلوط در حاشیهٔ کنار دریای خزر و درخت بلوط ایرانی نیز در غرب ایران از سردشت، کردستان، کرمانشاه، ایلام، قسمتی از خوزستان، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد تا فارس (منطقه رویشی زاگرس) پراکنده شده‌اند.

موقعیت ممسنی

شهرستان ممسنی به مرکزیت شهر نورآباد با وسعت ۶۸۷۶ کیلومتر مربع^۱ (۵/۵ درصد کل مساحت استان) یکی از شهرستان‌های استان فارس است که در شمال غربی این استان قرار دارد. (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ - نشریهٔ شمارهٔ ۱۷، ۲۵، ۷۷). این شهرستان در غرب رشته‌کوه‌های اصلی زاگرس قرار دارد (حبیبی فهلیانی، ۱۳۷۱: ۵۱). از شمال به شهرستان سپیدان و استان کهگیلویه و بویراحمد و از غرب به استان کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر و از جنوب به شهرستان کازرون و استان بوشهر و از شرق به شهرستان‌های شیراز و سپیدان محدود می‌شود (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ - نشریهٔ شمارهٔ ۱۷، ۲۵، ۷۷). (۱، ۷۷)

جمعیت این شهرستان براساس آمارگیری سال ۱۳۷۵ تعداد ۱۷۰،۴۰۹ نفر بوده است که ۲۱/۷ درصد در شهر نورآباد و بقیه در روستاها و آبادی‌ها ساکن بوده‌اند. براساس سرشماری

۱. این شهرستان قبلاً ۸۰۳۲ کیلومتر مربع مساحت داشته که با توجه به این‌که قسمت‌هایی از خاک شهرستان از این منطقه جدا گردیده و جزو استان کهگیلویه و بویراحمد و شهرستان سپیدان قرار گرفته، از این‌رو مساحت شهرستان تقلیل پیدا کرده است. البته در بعضی منابع هنوز آمارهای قدیم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

عشایر کوچنده ایل ممسنی دارای ۴ طایفه و ۱۷۰ ینکو است. جمعیت عشایر کوچنده ایل ممسنی ۲۴,۷۶۸ نفر بوده که با احتساب آن جمعیت شهرستان اعم از شهری، روستایی و عشایری جمعاً ۱۹۵,۱۷۷ نفر بوده است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ این شهرستان دارای ۸۳۶ آبادی بوده که از این تعداد ۵۹۷ آبادی مسکونی و ۲۶۶ آبادی نیز خالی از سکنه می باشد. (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ - نشریه شماره ۱۷، ۲۵، ۷۷).

شهرستان ممسنی در عرض شمالی ۳۳° تا ۲۹° ۲' گسترده است. طول شرقی این شهرستان بین ۵۲° ۷' تا ۵۸° ۵۰' است. مرکز این شهرستان شهر نورآباد با طول جغرافیایی ۳۰° و ۵۱° شرقی و عرض ۳۰° ۵' قرار گرفته است. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۹۰۰ متر است. شهرستان ممسنی از نظر سیاسی از ۴ بخش به نام‌های ۱. مرکزی (شامل دهستان‌های بکش ۱ و ۲، جاوید ماهوری، جاویدالله، جوزار و فهلیان) ۲. رستم (شامل دهستان‌های رستم ۱، رستم ۲، رستم ۳ و پشتکوه رستم) ۳. دشمن زیاری (شامل دهستان‌های دشمن زیاری و مشایخ) ۴. ماهور میلاتی (شامل دهستان‌های ماهور و میشان) تشکیل گردیده است.

منشأ تاریخی

سرزمینی که اکنون ممسنی نام دارد سابقه اش به تمدن ایلامی در هزاره‌های سوم، دوم و اول پیش از میلاد می‌رسد. در نقشه‌های هزاره سوم قبل از میلاد در تل اسپید و فهلیان آمده است، که اولی روستایی است در منطقه رستم ۱ که آثار به‌جا مانده از آن دوران نیز در این روستا کشف شده است و دومی نیز شهر قدیمی فهلیان و یکی از روستاهای بزرگ شهرستان ممسنی است که آثار به‌جا مانده از قدیم نیز بسیار دارد.

طبق نوشته نویسنده کتاب ممسنی در گذرگاه تاریخ، منطقه کنونی ممسنی در دوران هخامنشیان جزء مناطقی بوده که از آن نام داشته است. در دوره ساسانیان نیز این منطقه در حوزه کوره شاپور بوده است. (حبیبی فهلیانی، ۱۳۷۱: ۳۶-۳۷).

در دوره پس از اسلام واژه «نبوران» بر کل ممسنی اطلاق می‌شده و شهر نوبندگان به‌عنوان مرکز آن انتخاب گردید. حدوداً بعد از قرن چهارم هجری واژه شولستان بر این منطقه اطلاق گردید که آقای صفی‌نژاد آنان را از تبار ساسانیان می‌داند. به گفته وی، در آن زمان قلمرو ممسنی ۸۰ × ۱۰۰ فرسنگ بوده است (صفی‌نژاد، ۱۳۷۱: ۷۱).

مردم ممسنی متشکل از طوایف چهارگانه ایل ممسنی هستند. ایل ممسنی دارای ۴ طایفه به

نام‌های رستم، دشمن زیاری، بکش و جاوید می‌باشد. همچنین طوایفی از قشقایی فارس (دره شوری و کشکولی) نیز در جنوب شهرستان به صورت عشایری زندگی می‌کنند که خود به شاخه‌های دیگری تقسیم می‌گردند. از نظر نژاد، مردم ممسنی شاخه‌ای از قوم لر به نام «لر بزرگ» هستند.

اوایل قرن هفتم هجری ایل‌هایی از جبل‌السماق سوریه به سرزمین هزار اسب (لرستان) روی آوردند و سال‌ها در آنجا مستقر بودند. ایل بزرگ ممسنی یکی از این ایل‌ها بود که حدود سال ۹۰۰ ه.ق. بر شول‌ها یورش برده و آن‌ها را بیرون رانده و نام ایل خود را بر منطقه گذاشتند. گویش مردم ممسنی لری و طوایف قشقایی در جنوب شهرستان به زبان ترکی صحبت می‌کنند. مردم ممسنی مسلمان و پیرو مذهب شیعه دوازده امامی هستند.

ساختار قشریندی اجتماعی در این منطقه ساختار عشیره‌ای است. این ساختار قومی سازمانی سیاسی است که بر پایه نظام عشیره‌ای مبتنی است. در این سازمان سیاسی شالوده ساختار اجتماعی را مناسبات خویشاوندی پدر تباری تشکیل می‌دهد و یک دودمان پدر تبار، یک واحد اجتماعی محسوب می‌شود. در این ساختار فردگرایی به حداقل خود می‌رسد. تشکیلات سیاسی کوچ‌نشینان ممسنی از بالا به پایین به صورت ایل و طایفه سازمان یافته است و طایفه در درون خود تیره بنکو، اولاد و حونه (مال) را در بر می‌گیرد. در رأس ایل خان، در رأس طایفه کلانتر و در رأس تیره کدخدا قرار می‌گیرد و در اولاد نیز ریش‌سفید حکمفرماست.

آب و هوا

شهرستان ممسنی سه نوع آب و هوای گرم، سرد و معتدل دارد. بیشتر نقاط جلگه‌ای شهرستان دارای آب و هوای معتدل، بخش ماهور میلانی که در جنوب شهرستان ممسنی واقع است گرم‌ترین نقطه ممسنی بوده و دارای تابستانی بسیار گرم است. مناطق کوهستانی و سردسیری شهرستان نیز آب و هوایی سرد دارد.

اهمیت بلوط در زندگی عشایر ممسنی

برابر اعلام مرکز آمار ایران^۱ مجموع جمعیت عشایری که به نحوی بخشی از سال را در ممسنی می‌گذرانند (عشایر ممسنی و کوچروهای ایلات خمسه، قشقایی و بویراحمد

۱. آمارنامه فارس، ۱۳۷۹، ۷۳-۷۴.

علیاء)، ۵۴،۵۲۹ نفر می‌باشند. با توجه به جمعیت عشایر در ممسنی و رابطه‌ای که در شیوه بهره‌برداری مردم کوچرو از طبیعت وجود دارد بلوط در این نوع شیوه بهره‌برداری دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. بلوط، چنان‌که خواهد آمد، در زندگی مردم بومی از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت است که مهم‌ترین جنبه آن اهمیت غذایی آن، هم برای انسان و هم برای دام است.

تأمین خوراک انسان: از قدیم‌الایام ساختار زندگی عشیره‌ای طوری بوده است که کوچ‌نشینان به خاطر چرانیدن دام‌های خود مجبور به تحرک مکانی بوده و وقت کمتری برای کشاورزی داشته‌اند. زیستگاه این مردم کوهستان است و کوهستان خاک کمتری برای کشاورزی داشته و کشت دیم نیز به باران بستگی دارد. کشت زمین‌ها در چنین شرایطی باعث کم شدن مراتع و یا تخریب آن‌ها می‌شود. از سوی دیگر، نگهداری و انباشت محصولات کشاورزی مشکلاتی دارد که زندگی خاص عشیره‌ای از پس آن بر نمی‌آید. از این‌رو، انسان عشایری ترجیح می‌دهد نان خود را از راه‌های دیگری غیر از کشت انبوه گندم فراهم کند.

در ایران بعد از انقلاب اسلامی، این مشکل توسط تعاونی‌های عشایری حل شده است. با تحویل آرد ارزان‌قیمت، باعث شده عشایر با وجودی که وقت بیشتری نسبت به گذشته دارند، نسبت به کاشت گندم کم‌رغبت‌تر شده‌اند. قبلاً کمبود نان به وسیله آرد بلوط جبران می‌شده است. همچنین وضعیت و ساختار زندگی عشایر طوری است که کمتر می‌توانند از برنج و دیگر اغذیه مرسوم در شهرها استفاده کنند، زیرا برنج گران‌قیمت بوده و بایستی از بیرون تهیه شود که بار هزینه‌ای آن برای مردم دامدار منطقه زیاد است. از سوی دیگر برنج متعلقاتی چون گوشت، سیب‌زمینی، سبزی و غیره دارد که تهیه‌اش برای فرد عشایری، به خاطر دور بودن از بازار به آسانی ممکن نیست. مضافاً این‌که پخت آن زمان می‌برد. از این‌رو است که نان در رژیم غذایی آنان سهم زیادی دارد. تهیه نان گندم هم با توجه به آنچه گفته شد برای مردم عشایری هم سخت بوده و هم مقرون به صرفه نیست. به همین علت آرد بلوط مکمل مناسبی برای نان گندم است.

تأمین خوراک دام: کوهستانی بودن منطقه و صعب‌العبور بودن از یک طرف و وجود سطح زیادی از مراتع کم‌پشت در شهرستان و عدم کوچ بسیاری از دامداران، منجر به عدم تناسب بین تعداد دام و تعداد علوفه موجود در مراتع گردیده است، به طوری که سالانه بیشتر از ۱۵۰ هزار تن علوفه برای دام‌ها کمبود وجود دارد که تأمین آن منجر به ایجاد هزینه برای دامداران منطقه می‌شود. بهره‌برداری بهینه از دانه بلوط و به کارگیری آن در رژیم غذایی احشام می‌تواند بخش اعظمی از کمبود علوفه را جبران کند.

پراکندگی جغرافیایی بلوط در ممسنی

در شهرستان ممسنی درخت بلوط از نظر تعداد در میان دیگر درختان جنگلی مقام اول را به خود اختصاص داده است، به طوری که از سطح پوشش جنگل در این شهرستان ۵۰٪ و از کل سطح شهرستان بیش از ۶۰٪ خاک شهرستان را به خود اختصاص داده است*.

پراکندگی جنگل‌های بلوط در شهرستان ممسنی بدین صورت است که در منطقه ماهور و میلاتی فقط نقاط مرتفع دارای مقدار کمی بلوط است که آن‌هم به صورت جامعه نیست و اگر هم در نقاط بسیار کمی جامعه بلوط دیده می‌شود از نظر حجم پوششی بسیار تُنک است. در دیگر مناطق شهرستان، دشت‌های پایین‌تر از ۱۰,۰۰۰ متر از سطح دریا (منهای موارد استثنا) فاقد بلوط بوده، بقیه مناطق که کوهستانی است دارای جامعه بلوط است. از حدود ۸۰۰ متر از سطح دریا نیز وجود بلوط در این شهرستان گزارش شده است و تا ۲۴۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا و حتی در قله کوه تاسک در دشمن زیاری نیز بلوط وجود دارد.

میزان بهره‌دهی بلوط در ممسنی

برابر آمار جدول شماره ۱ یکصد میلیون^۱ درخت بلوط در سطح شهرستان ممسنی وجود دارد که تعداد هفتاد میلیون اصله درخت دانه زادند. از این تعداد مقدار ۲,۹۴۰,۰۰۰ تن آرد در سال قابل بهره‌برداری است، و این در حالی است که گندم حاصل در سال ۱۳۸۳ در شهرستان ممسنی ۴۵,۰۰۰ تن بوده است که به این ترتیب آرد بلوط ۶۵ برابر آرد گندم است. همچنین ۸۹,۰۹۱ تن جفت از درختان بلوط در شهرستان قابل برداشت است.

جدول شماره ۱. تعداد درختان بلوط، مقدار آرد بلوط و تولید سالیانه گندم در ممسنی

نام منطقه	تعداد کل درختان بلوط	بلوط دانه‌زاد	متوسط آرد هر درخت (کیلوگرم) ^{**}	کل آرد به‌دست آمده (تن)	مقدار گندم سالانه (تن) [☆]	مقدار جفت سالانه (تن) ^{**}
کل شهرستان	۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ [*]	۷۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۲	۲,۹۴۰,۰۰۰	۴۵,۰۰۰	۸۹,۰۹۱

* منبع: کارشناسان منابع طبیعی ممسنی

☆ منبع: شرکت تعاونی شهید هاشمی مصیری

** منبع: تحقیقات میدانی

* این اطلاعات از طریق مصاحبه با کارشناسان منابع طبیعی شهرستان ممسنی در تاریخ فروردین ۱۳۸۳ به‌دست آمده است.

۱. به نظر می‌رسد درختان بلوط در ممسنی بیشتر از این آمار باشد.

موارد استفاده از بلوط در زندگی مردم ممسنی

در این جا قبل از پرداختن به موارد استفاده از بلوط در زندگی مردم ممسنی، به طور خلاصه به مراحل جمع آوری دانه بلوط و آماده سازی آن به منظور استفاده در موارد مختلف اشاره می شود. برداشت (گردآوری بلوط): زمان مناسب برای گردآوری بلوط از درخت در این منطقه اواخر مهرماه و اوایل آبان ماه است. میوه بلوط با تکان دادن درخت به زیر درخت می ریزد. در هنگام جمع آوری بلوط، میوه ها در یک جا جمع و سپس در ظرف های بافته شده ای به نام «حور»^۱ یا «شله»^۲ ریخته و به کمک دام به طرف خانه حمل می شود.

پوست کندن بلوط: عملیات پوست گیری بلوط بلافاصله در شب و اغلب به وسیله زنان و دختران انجام می شود. علت پوست گیری در شب آن است که مردم منطقه روزها سخت مشغول امور مربوط به دامداری هستند و کمتر فرصت انجام دادن کار دیگری را دارند، از این رو، معمولاً شب ها اقدام به پوست گیری بلوط می کنند. مرسوم ترین وسیله پوست گیری در زبان مردم محل به «رنجک»^۳ معروف است.

خشک کردن بلوط: عمل خشک کردن بدین صورت است که پس از آن که دانه ها پوست گیری شدند، بر روی یک پارچه، زیلو یا «نی چیت»^۴ ریخته شده و در زیر آفتاب قرار می دهند، در طول روز چند بار آن را به هم می زنند تا نور آفتاب به طور مساوی به همه نقاط آن برسد. حدود سه روز طول می کشد تا پوسته نازک کشیده شده بر روی مغز خشک شود.

جداسازی جفت از مغز: پس از خشک شدن تانن بلوط، وقت آن می رسد که جفت از مغز جدا گردد. تانن یا همان جفت پس از خشک شدن به صورت ورقه ای از روی مغز جدا می شود. عمل جداسازی تانن از دانه بلوط بدین صورت است که با برهم زدن دانه ها به وسیله دست عمل جداسازی صورت می گیرد.

۱. حور hūr: ظرفی است بافته شده از نخ پشم گوسفندان که عشایر و روستاییان برای حمل بار به ویژه گندم و آرد از آن استفاده می کردند. ابتدا هر لایه به طور مجزا از هم بافته می شد سپس به هم وصل می گردد به طوری که از وسط بر پشت چهار پا قرار گیرد. رنگ حور بنا به اختیار و نوع استفاده باهم متفاوت است.

۲. شله Shale: ظرفی است بافته شده از موی بز و معمولاً برای حمل آب از آن استفاده می شد. در حمل بلوط بیشترین کاربرد را دارد.

۳. ronjek یا ronjok: این وسیله از دو جز تشکیل شده است. (۱) تیغه فلزی که به صورت کمانه ای است و فاصله بین دهانه آن حدود ۳ تا ۴ سانتی متر است و ته آن مستقیم که به دسته وصل می شود. (۲) دسته چوبی که اندازه اش حدوداً ۱۰ تا ۱۵ سانتی متر است.

۴. نی چیت یا نین چیت (nie chit یا ni chit) نی های بسیار ریز باهم بافته شده و به صورت حصیر در می آید.

موارد استفاده مشتقات بلوط

استفاده غذایی

استفاده غذایی از میوه بلوط هم برای خود و هم برای دام‌ها از قدیم‌الایام در بین مردم بومی رواج داشته و زمانی غذای غالب عشایر را تشکیل می‌داده است. این مطلب در اشعار مردم منطقه زاگرس به‌ویژه مردم منطقه لرنشین وجود دارد.

«مولر بلی خرم هفت سال چپونم
لرم بلوط خورم هفت سال چوپانم / اگر به قرقره (متگنه) بگذارندم سربازی نکنم.»

پس از تخته‌قاپو شدن عشایر و در نتیجه آن تغییر روش زندگی مردم و سرازیر شدن به شهرها، بلوط نیز از جیره غذایی مردم حذف شد و چون دیگر امور سنتی به تاریخ پیوست؛ اما همچنان در ردیف خوراک دام عشایر باقی ماند. در زیر این موضوع در دو زمینه خوراک دام و انسان به تفکیک بررسی می‌شود.

غذای انسان

در گذشته انسان‌های بومی به چند صورت از بلوط به‌عنوان خوراک استفاده می‌کردند: کباب میوه بلوط، میوه بلوط به‌صورت، استفاده از شیر و نان بلوط که استفاده نان بلوط از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

تهیه نان بلوط: برای تهیه نان بلوط بایستی مراحل را طی کرد تا نان بلوط آماده شود. در زیر مختصراً به این مراحل اشاره می‌گردد.

تهیه آرد بلوط: این مرحله با آسیاب مغز شروع می‌شود. پس از آن که میوه بلوط خشک شد و جفت آن نیز جدا گردید، بلوط برای آسیاب آماده می‌گردد. بلوط کاملاً آرد نمی‌شود بلکه تقریباً به صورت دانه‌های ریز به اندازه عدس در می‌آید که در اصطلاح محلی به آن «خفکه» می‌گویند. خرد کردن مغز بلوط به وسیله آسیاب سنگی صورت می‌گیرد. این آسیاب سنگی در منطقه مورد مطالعه «برده‌هر» نامیده می‌شود. و از دو قسمت تشکیل می‌شود: ۱. قسمت ثابت: سنگ صاف و بزرگی است که قطر آن حدود یک تا دو متر است. ۲. قسمت متحرک و آن سنگ بیضی‌شکلی است که درازای آن حدود ۴۰ تا ۵۰ سانتی‌متر است (به شکل یک پستی کوچک). قسمت متحرک با رفت و برگشت بر روی سنگ ثابت غلات را خرد می‌کند.

تهیه خمیر: پس از آن که آرد بلوط آماده شد مرحله تهیه خمیر بلوط آغاز می‌شود. که به آن خمیر «کَلگ» می‌گویند. آرد را با آب گرم مخلوط کرده و خمیر آماده می‌شود. خمیر کردن بدین صورت است که مقداری آب روی بلوط خرد شده افزوده به‌طوری که خیس بخورد و آن را به هم می‌زنند و سپس برای خواباندن آماده می‌کنند.

خواباندن کلگ: خمیر آماده شده را در ظرف بافته شده از ساقه‌های بادام به نام «گیره»^۱ می‌گذارند. سپس با استفاده از پتو یا لحاف محکم آن را می‌پوشانند به طوری که خوب گرم شود و به اصطلاح به عرق بنشیند. علت گذاشتن خمیر در گیره آن است که هنگام قرار گرفتن در زیر آب به راحتی شیره تلخ از سوراخ‌ها بیرون رود. اگر ظرف حاوی خمیر بدون منفذ باشد امکان خروج آب وجود نداشته و عمل پالایش صورت نمی‌گیرد. هنگام گذاشتن در ظرف و پوشاندن آن، زنان به لهجه محلی می‌گویند:

«دو شو و تو شو سه شو میر مله او»

یعنی، دو شب در تب (گرما) می‌باشی و شب سوم نیز در آب خواهی بود و اعتقاد دارند اگر این شعر خوانده نشود خمیر خراب می‌شود. این شعر حاکی از آن است که بایستی این مراحل حتماً اجرا شود. چون اگر خمیر به خوبی گرم نشود و تعرق نکند تانن موجود به راحتی جدا نمی‌شود. از طرفی اگر در زیر آب قرار نگیرد پالایش نمی‌شود و عمل جداسازی شیره تلخ (تانن یا جفت) صورت نمی‌گیرد. پس از دو شبانه‌روز آن را از زیر پتو یا لحاف بیرون می‌آورند و مرحله بعدی که آب‌کشی است شروع می‌شود. یک روز از صبح تا عصر آن را در مسیر آب روان قرار می‌دهند. بدین صورت که آب محکم از بالا بر آن ریخته و از پایین سوراخ‌های گیره بیرون رود. با این کار کلگ شیرین می‌شود.

پس از شیرین شدن مجدداً خمیر آماده به وسیله آسیاب سنگی آسیاب می‌شود تا دانه‌های بلوط خرد و به صورت خمیر در آید که اصطلاحاً می‌گویند کلگ ساییده شد. در این جا خمیر برای تهیه نان بلوط آماده است. نان بلوط به دو صورت خالص و مخلوط شده با آرد گندم تهیه می‌شود.

نان بلوط خالص: کمتر اتفاق می‌افتد که در سال‌های اخیر خانواده‌ای برای تهیه نان روزانه‌اش صد در صد از آرد خالص بلوط استفاده کند. خمیر این نان به خوبی پهن نمی‌شود و نیز هضم آن برای معده کمی سخت است. مردم عشایر به علت عادت و نیز تحرک زیاد مشکلی برای مصرف کلگ (نان بلوط) ندارند. اما کم‌تحرک در صورت استفاده از نان بلوط خالص دچار مشکل گوارشی می‌شوند. داستان‌های زیادی بیان کرده‌اند که کسانی از شهر آمده و نان بلوط مصرف کرده و دچار مشکل شده‌اند.^۲

۱. زنبیلی است بافته شده از تارهای بادام که مانند آب‌کش است. در بعضی از روستاهای شهرستان «کهلو» و در بعضی جاها نیز «سله» نام دارد.

۲. فردی روستایی تعریف می‌کرد «در قدیم برای تنبیه ژاندارم‌ها به آن‌ها نان بلوط می‌خوراندیم. زمانی که

نان بلوط مخلوط: معمولاً این شق مرسوم بوده است. نسبت ترکیب دو نوع آرد به عوامل مختلفی بستگی دارد. اعتبار اقتصادی و پرستیژ اجتماعی از جمله این عوامل است. هرچه فرد از نظر اقتصادی وضع بهتری داشته باشد نان او سفیدتر است. یعنی قسمت بیشتر آرد نانش را گندم تشکیل می‌دهد. افراد فقیر یا اصلاً در نانشان آرد گندم نیست و یا این‌که درصد کمتری دارد. این درصد معمولاً ۲۵٪ خمیر بلوط و ۷۵٪^۱ خمیر گندم است. اگر درصد بیشتری از آرد بلوط در تهیه نان به کار رود به راحتی پهن نمی‌شود. از این رو در این موارد و نیز موقعی که خمیر تهیه شده صد در صد از آرد بلوط باشد، خمیر را با دست پهن می‌کنند و به آن «کلگ دسی» می‌گویند. نان مخلوط را به وسیله تیر و بر روی «خونک» پهن و سپس بر «تابه»^۲ گذاشته شده بر آتش می‌اندازند. خونک از چوب ساخته شده است، و چوب صاف و مسطحی است که به قطره‌های مختلف وجود دارد. متوسط آن نیم‌متر است. بر پایه‌هایی حدود ۵ سانتی‌متری سوار است و نان را بر آن پهن می‌کنند و به آن «کلگ تیری» می‌گویند. در نوع دستی، وسیله برداشت و جابه‌جا کردن نان بر تابه وسیله کاردکمانندی است که در اصطلاح محلی «اُسوم» نام دارد. برای نان خالص با آرد گندم یا نان‌های مخلوط با آرد بلوط با درصد بالای آرد گندم را با نوعی سیخ به نام «نون واری کن» از روی تابه جابه‌جا می‌کنند. نان بلوط بایستی تک‌بریز باشد.^۳

خوراک دام

دانه بلوط به دو صورت مورد استفاده غذایی احشام بومی قرار می‌گیرد. یا به صورت تازه و یا به صورت خشک. هنگام استفاده از آن به صورت خشک به خاطر سفت بودن مغز بایستی مغز آن خرد شود. استفاده از میوه بلوط هم به تنهایی و هم به صورت مخلوط با علوفه خشک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

→ دچار دل‌درد می‌شدند به آن‌ها وانمود می‌کردیم که به خاطر ظلمی است که کرده‌اند و الا مردم هم از این نان می‌خورند، ولی چرا آن‌ها دل‌درد نگرفتند»

۱. بنا به اظهار بعضی از بومیان منطقه تا ۵۰٪ نیز با آرد بلوط قابل ترکیب است.
۲. در اصطلاح محلی به آن تاوه می‌گویند. وسیله‌ای است که از آهن ساخته شده و قطرش بین ۷۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر و به شکل بشقاب است. مردم بومی هنگام استفاده کف آن را با گیل ساخته شده از خاک یا خاکستر آتش می‌پوشانند تا از سوختن نان‌ها جلوگیری به عمل آید.
۳. نان اگر تک‌تک بر تابه برشته شود تک‌بریز است. اما گاه چند نان را روی هم بر تابه می‌گذارند. نان تک برشته شده خوشمزه است. نان کلگ باید تک‌بریز باشد تا خوب برشته شود.

استفاده دارویی

در دانش بومی مردم منطقه استفاده دارویی از بلوط نیز از جایگاه خاص خود برخوردار است. تانن، مغز و شاخ و برگ و قسمت‌های مورد استفاده دارویی در منطقه است. سوختگی: در سوختگی‌ها از پودر برگ بلوط استفاده می‌کنند. نحوه استفاده آن چنین است: اگر برگ بلوط را در سایه خشک کنند و آن را بکوبند و بر زخم و سوختگی پاشند و به اصطلاح خشک‌بند کنند، مفید واقع می‌شود. در دانش نوین نیز از بلوط برای درمان سوختگی‌ها استفاده می‌شود. برای درمان سوختگی‌ها پمادهای گوناگونی از تانن ساخته می‌شود که ترکیبات یکی از این پمادها چنین است:

وازلین ۱۰۰ گرم + سدیم سولفاد دیازین ۲ گرم + تانیک اسید ۵ گرم (بیگی، ۱۳۶۱: ۱۰۹). اسهال: برای مداوای اسهال (اعم از خونی و غیرخونی)، از نان بلوط استفاده می‌شود. اگر اسهال شدید باشد آن را همراه ماست مصرف می‌کنند گاه نیز آرد بلوط به تنهایی جهت مداوای اسهال به کار می‌رود. همچنین بلوط برای مبارزه با اسهال خونی داروی بسیار مفیدی است. مصرف میوه خرد شده بلوط به همراه عسل و آب نیز برای بند آمدن اسهال مفید است. در دانش نوین نیز از فرآورده‌های بلوط برای مداوای اسهال استفاده می‌شود. بلوط و فرآورده‌های آن از خاصیت قابض بودن برخوردارند.

دردهای معده: برای مداوای زخم معده و اثنی عشر پودر جفت را هر روز بعد از شام و قبل از خواب به اندازه یک قاشق مرباخوری استفاده می‌کنند. اگر دو هفته این عمل انجام شود، معده مداوا می‌شود. تانن به صورت پخته نیز گهگاه مصرف می‌شود که بسیار تلخ است. جفت ضمن درمان زخم معده و اثنی عشر، آن را ترمیم می‌کند. از خاکستر چوب بلوط برای درمان ترش کردن معده استفاده می‌شود. جفت یا همان تانن از نظر مردم باعث سفت شدن جداره‌های معده شده و فساد معده را از بین می‌برد.

خاصیت ضد عفونی: از جفت پخته شده برای ضد عفونی کردن معده و رحم حیوانات استفاده می‌شود. بدین صورت که اگر حیوانی بر اثر مسمومیت شکمش باد کند، جفت پخته به آن می‌خورانند. همچنین در قدیم پودر زغال بلوط را بر زخم‌ها می‌پاشیدند تا مداوا شود.

در دانش بومی مردم از پوست اولیه (رویه) بلوط در تهیه سرمه چشم (سیرمه) استفاده می‌کردند. نحوه ساخت آن چنین است. پوست اولیه بلوط را با چوب درخت خویش که در اصطلاح محلی «خشک» می‌گفتند، همراه با چوب گردو در چاله‌ای کوچک ریخته و به هم

۱. Sirma، البته سورمه سنگ هم وجود داشت و در بعضی جاها نیز با ترکیبات دیگری ساخته می‌شد ولی در ساختن نوع دوم از ترکیب پوسته بلوط استفاده می‌شد.

می‌زدند سپس آتش بلوط بر آن می‌ریختند و یک ظرف صاف مثل سینی بر آن می‌گذاشتند با سوختن این مخلوط دودهٔ غلیظی بر سینی می‌ماند که سورمه بود.

سورمه ← پوست گردو + چوب خویش + پوست اولیهٔ بلوط

این سورمه به منظور ضد عفونی کردن چشم به کار می‌رود.

در دانش نوین هم خاصیت درمانی و ضد عفونی‌کنندگی بلوط را بیشتر مربوط به تانن می‌دانند که از اجزای آن‌ها فراهم می‌شود.

خونریزی‌ها: پوست درخت بلوط در درمان خونریزی بینی به کار می‌رود. جوشاندهٔ پوست بلوط همراه با زاج سفید به صورت محلول شست‌وشو برای جلوگیری از خونریزی بینی به کار می‌رود. همچنین در دانش بومی منطقه از زغال چوب بلوط برای توقف خونریزی استفاده می‌کنند. جوشاندهٔ پوست بلوط برای جلوگیری از خونریزی لثه بسیار مفید است.

ناراحتی‌های زنانه: پودر شاخه‌های جوان بلوط به صورت محلول جهت رفع ترشحات داخلی مورد استفادهٔ مردم بومی قرار می‌گیرد. همچنین مردم منطقه با ترکیب پودر میوهٔ بلوط همراه با روغن و تخم پنبه شیافی تهیه کرد، و به همین منظور مورد استفاده قرار می‌دهند.

سرفه: مردم ممسنی از برگ بلوط به منظور درمان حمله‌های متناوب، سرفه‌های تشنجی و تحریک‌پذیر اندام‌های تنفسی به کار می‌برند. نحوهٔ استفاده از آن بدین ترتیب است که حدود ۳۰ گرم از برگ خشک شده و پودر شده بلوط را در نیم لیتر آب جوش حل می‌کنند و روزی سه یا چهار بار و در هر نوبت به اندازهٔ یک قاشق غذاخوری به بیمار می‌خورانند. از شیوه‌های دیگر آن این است که پودر برگ بلوط را با عسل مخلوط می‌کنند و برای درمان سرفه‌های شدید مورد استفاده قرار می‌دهند.

یرقان: از مواد موجود در بلوط برای درمان یرقان استفاده می‌شود؛ زیرا بلوط دارای آهن طبیعی زیاد است و برای یرقان تجویز شده است.

آنزین و گلو درد: در منطقه برای رفع گلو درد پودر سرشاخه‌های تازهٔ بلوط را جوشانده و سپس غرغره می‌کنند. در دانش بومی مردم ۵۰ تا ۶۰ گرم پوست ساقه‌های بلوط خشک شده را که به صورت پودر در آمده در یک لیتر آب می‌جوشانند، سپس می‌گذارند خنک شود و از آن روزی سه یا چهاربار غرغره می‌کنند. «پوست بلوط برای معالجهٔ آنزین در علم پزشکی کاربرد دارد» (بابایی، ۱۳۷۷: ۱۲). برگ بلوط اثر محرک و قابض هم دارد و در استعمال خارجی به کار می‌رود و جوشانده‌های غلیظ آن به صورت غرغره در معالجهٔ ورم حنجره و لوزتین مؤثر واقع می‌شود (متوسلیان، ۱۳۵۷: ۸).

آرژنی، و درد مفاصل: جوشاندهٔ پوست بلوط برای حساسیت و درد مفاصل پا مفید

می باشد. از این رو بایستی پا را در آب جوشانده پوست درخت بلوط گذاشت و مدتی نگه داشت تا آب سرد شود.

بهداشت پوست: در دانش بومی مردم، از پودر صاف شده جفت برای نرم کردن پوست و لطافت آن و نیز درمان سوختگی پوست استفاده می شود، به همین لحاظ کودکانی که رانهایشان در اثر ادرار زخم می شود با ریختن پودر جفت جاهای زخم شده آن را مداوا می کنند. دانش نوین نیز کاربرد بهداشتی فرآورده بلوط را تأیید می کند؛ کرم سی گل یکی از کرمهایی است که در ترکیب آن از عصاره شاه بلوط هندی استفاده می شود.

ساخت ابزار

بلوط درخت تنومندی است که دارای چوب بسیار محکمی است. از خواص چوب بلوط ضد آب بودن آن است و این نیز به دلیل مقدار تاننی است که در آن موجود است. از طرفی چوب این درخت در مقابل حرارت مقاوم است که این امر نیز به دلیل دارا بودن تانن می باشد. از این رو چوب این درخت می تواند در جاهایی که آب وجود دارد به خوبی مورد استفاده قرار گیرد. از آن می توان در کشتی ها، قایق ها، پایه های برق برای نصب در رودخانه ها استفاده کرد. از طرفی به خاطر مقاومت زیاد آن در برابر فشار و حرارت برای به کارگیری در تراورس های راه آهن کاربرد بسیار دارد.

در دهه های گذشته از چوب بلوط در منطقه مورد مطالعه استفاده های زیادی می شده است که از این موارد می توان به استفاده از آن در تهیه وسایل کشاورزی چون خیمش و اجزاء آن، وسایل حمل و نقل (مثل کجاوه در قدیم)، خانه سازی به ویژه ستون ها و تیرک های خانه، وسایل کار مانند دسته هاون، دسته کلنگ اشاره کرد. شیوه خاص زندگی مردم به ویژه شیوه دامداری استفاده از چوب این درخت را در کنار دیگر درختان جزء ملزومات زندگی آنان قرار داده است، گرچه در حال حاضر و با تغییر در شیوه زندگی استفاده از آن محدود شده است.

استفاده های زیست محیطی

جنگل ها نعمت های خدادادی هستند که نقش مهمی در زندگی انسان و دیگر موجودات ایفا می کنند. فواید جنگل ها برای موجودات زنده بسیارند که ما از سه جنبه تولید اکسیژن، حفظ خاک و منبع تولید آب جنگل های بلوط را بررسی خواهیم کرد. بلوط از درختان پهن برگ جنگلی است که در هر سه زمینه سودمند است.

منبع تولید اکسیژن: مهم‌ترین فایده درختان برای موجودات زنده تولید اکسیژن است. درختان گاز کربنیک را گرفته و در عوض اکسیژن پس می‌دهند و این عمل طی جریانی به نام فتوسنتز صورت می‌گیرد. مردم از دفع گاز کربنیک توسط درختان آگاهی دارند؛ از این‌رو شب‌ها در زیر درخت سبز نمی‌خوابند و اعتقاد دارند که «مضرتری» می‌شوند. گاهی پیش می‌آید که افرادی که زیر درخت خوابیده‌اند، خفه شده، یا فلج شده و لب‌هایشان برگشته است که به علت افزایش گاز کربنیک محیط است.

حفظ خاک: درختان بلوط از نظر ریشه طوری هستند که بهتر از دیگر درختان می‌توانند در حفظ خاک مؤثر باشند. ریشهٔ درختان بلوط زنجیروار و کنگره‌ای است و این کنگره‌ها همچون تور ماهی‌گیری به هم وصل بوده و تا فاصلهٔ زیادی خاک را در بغل می‌گیرند و با این عمل مانع فرسایش خاک می‌شوند. همچنین درختان بلوط پهن و درهم هستند و به همین علت جلوی باران را سد کرده و مانع از ریزش مستقیم باران بر خاک می‌شوند. از طرفی تنهٔ درختان جلوی سیلاب‌ها را گرفته و مانع از شستن خاک می‌شود.

منبع تولید آب: چنان‌که در بالا گفته شد، درختان بلوط با داشتن ریشه‌ای مخصوص به خود خاک را به هم فشرده که این امر ضمن جلوگیری از فرسایش خاک باعث می‌گردد که خاک آب بسیار زیادی را در خود ذخیره کند. مقدار آب ذخیره شد در خاک به وسیلهٔ درخت بلوط بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ لیتر است.* از این‌رو درختان بلوط از نظر منبع آب‌های زیرزمینی و آب چشمه‌ها بسیار حائز اهمیت می‌باشند.

مردم منطقه به خوبی از آثار زیست محیطی درختان بلوط در تلطیف هوا و خنک کردن آن آگاهی دارند. مردم اعتقاد دارند که سایهٔ درخت بلوط فشرده‌تر از دیگر درختان جنگلی است. اصطلاحاً می‌گویند سایهٔ درخت بلوط مشت (فشرده) است. مردم در موقع استراحت به‌ویژه در فصل گرما سایهٔ درختان بلوط را بر دیگر درختان ترجیح می‌دادند. یک درخت بلوط بزرگ حدود ۷۰ متر مربع سایه دارد. مردم از سایهٔ بلوط درختان برای احشام خود به‌ویژه میش‌ها که گرمای بدن آنان زیاد است استفاده می‌کنند.

استفادهٔ همه‌جانبه از این درخت آن را در ذهن مردم مقدس جلوه داده است، به طوری که به آن قسم می‌خورند. مردم اعتقاد دارند که اگر با درخت سبز به‌ویژه بلوط میوه‌دار بدرفتاری شود، فرد خاطی نفرین می‌شود. مردم قطع درخت بلوط سبز را مثل قتل انسان دانسته و اعتقاد دارند که درخت هنگام قطع گریه می‌کند و معتقد بودند آبی که از درخت سبز قطع شده تراوش می‌کند،

* این اطلاعات از طریق مصاحبه با کارشناسان منابع طبیعی ممسنی به دست آمده است.

اشک درخت است و می‌گویند که قطع کننده به مرگی سخت خواهد مرد.

استفاده در رنگرزی

در دانش بومی از جفت به همراه گیاهان دیگری چون روناس و خویش (در اصطلاح محلی خشک یا خوشک) وزاج به صورت مخلوط در رنگرزی استفاده می‌شده است. رنگ حاصل از بلوط قهوه‌ای و تیره‌رنگ است. جفت یا همان تانن حاوی رنگ زیادی است. علاوه بر تانن، برگ و پوست بلوط در رنگرزی کاربرد دارد. در دانش نوین نیز از تانن بلوط در رنگرزی شیمیایی استفاده می‌شود. در این رابطه از تانن بلوط در تثبیت رنگ‌ها و تهیه رنگ استفاده می‌شود.

استفاده از بلوط در دباغی

از دیگر کاربردهای اجزای بلوط در دانش بومی مردم منطقه ممسنی، کاربرد در دباغی و چرم‌سازی است. استفاده از بلوط در چرم‌سازی به تانن موجود در بلوط مربوط است. استفاده از بلوط و اختصاصاً جفت آن در بین مردم رواج بسیاری دارد. در گذشته که تنها ظرف آب مردم بومی مشک‌های تهیه شده از پوست گوسفند و بز بوده است، زنان برای تهیه مشک پوست خام را به مدت یک هفته در جفت پخته شده می‌گذاشتند و طی مراحل آن را دباغی می‌کردند. در دانش نوین نیز از فرآورده‌های بلوط در چرم‌سازی، صنایع چوب‌پنبه، در صنایع نفت به‌عنوان فیلر^۱ دکل‌های حفاری (بیگی، ۱۳۶۱)، تولید پلاستیک و چسب و صنایع سرامیک و پالایش نفت استفاده می‌شود.

نتیجه‌گیری

بلوط درختی است تنومند با عمری قریب به ۱۰ قرن که در زمینه‌هایی چون: تأمین خوراک انسان و دام، دارویی، رنگرزی، دباغی و چرم‌سازی، خانه‌سازی، کشتی‌سازی، صنایع نفت، چسب‌سازی و صنایع سرامیک قابل استفاده است. بلوط در دانش بومی مردم از جایگاه بسیار بالایی برخوردار بوده است و بشر سال‌های سال در زمینه‌های مختلف به کمک فرآورده‌های آن زندگی می‌کرده است. اگرچه امروزه استفاده از فرآورده‌های آن در روستاها به فراموشی سپرده شده است، اما احیای مجدد استفاده از بلوط در روستاها کمک شایانی به توسعه روستاهاست.

1. Filler

به‌عنوان مثال، درآمد مردم منطقه از فرآورده‌های گوناگون بلوط در منطقه قابل توجه است. در سطح شهرستان ممسنی آرد قابل استحصال در سال نزدیک به سه میلیون تن و جفت یا تانن قابل برداشت ۸۹،۰۹۱ تن می‌باشد. قیمت روز آرد بلوط هر کیلوگرم ۵۰۰ ریال و جفت ۱۰،۰۰۰ ریال است. حال اگر تنها آرد قابل برداشت را دو میلیون و جفت را ۶۰،۰۰۰ تن حساب کنیم درآمد حاصل از این دو فرآورده به صورت خام عدد قابل توجهی است، در حالی‌که در سال ۱۳۸۳ برابر اعلام شرکت‌های تعاونی منطقه ممسنی گندم به‌دست آمده ۴۵،۰۰۰ تن بوده است که نسبت به آرد قابل استحصال از بلوط در سطح بسیار پایینی است. از آن‌جا که در روستاها مشکل اشتغال جوانان و مهاجرت وجود دارد، و از طرفی وجود مشکلات عدیده در تخصیص و جذب بودجه برای امور روستاها، و از همه تأسف‌آورتر عدم توجه کافی به روستاها و قرار دادن آن‌ها در انتهای اولویت‌های توسعه کشور، جا دارد که برنامه‌ریزان و کسانی که در امر توسعه روستا دخیل‌اند در فرایند توسعه از بلوط به‌عنوان یک بستر مناسب برای رشد و ترقی و توسعه روستایی استفاده کنند. استفاده از دانش بومی مردم پیرامون بلوط و دخالت مردم در این امر بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد؛ چراکه عدم انجام مطالعات کافی و همه‌جانبه درباره جامعه بومی و منجمله کمبود مطالعات جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی به‌ویژه روستاشناسی و نیز بررسی دانش و فرهنگ بومی جوامع روستایی ایران عملاً آسیب‌های مختلف و جبران‌ناپذیری به‌بار آورده است.

منابع

- آل آقا، الهه؛ نوروزی، عباس، «دانش بومی مقوله‌ای نوین در پژوهش توسعه روستایی»، *مجله جهاد، سال نوزدهم، شماره ۲۲۲-۲۲۳*.
- آمارنامه استان فارس، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۷۹.*
- ابن‌سینا، *قانون در طب*، ترجمه عبدالرحمن شرف‌کنندی، انتشارات سروش، تهران ۱۳۶۲.
- ازکیا، مصطفی، *روش‌های تحقیق کاربردی*، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۸۲.
- بایابی، خسرو، *نسخه دکتر، خود درمانی با گیاهان دارویی* - انتشارات حافظ نوین، تهران، ۱۳۷۷.
- برنامه و بودجه استان فارس (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ - نشریه شماره ۱۷، ۲۵، ۷۷).
- برنامه و بودجه استان فارس، *فرهنگ آبادی‌های ایران*، استان فارس، شهرستان ممسنی سال‌های ۴۵، ۴۵، ۶۵، ۷۵.
- بیگی، مهرداد گزارش جامع سمینار کاربرد میوه بلوط در تغذیه دام و صنایع، ۲۸-۲۹ مهرماه ۱۳۶۱ سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، بی‌تا.
- پاپ زن، عبدالحمید، «طراحی مدل تلفیقی دانش بومی و رسمی به‌منظور دستیابی به رهیافتی رسانه‌ای - مشارکتی در استان کرمانشاه»، پایان‌نامه دوره دکتری دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران ۱۳۸۱.

- پال آ. ماندی و جی. لین کامپتون، مترجمان مسعود پیرو شعبانی و غلامحسین حسینی نیا، «ارتباطات بومی و دانش بومی»، مجله جهاد سال نوزدهم شماره ۲۲۶-۲۲۷.
- ثابتی، حبیب‌الله، جنگل‌های ایران، انتشارات کتابخانه ابن‌سینا، تهران ۱۳۴۶.
- چمبرز، رابرت، توسعه روستایی اولویت‌بخشی به فقرا، ترجمه مصطفی ازکیا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- حبیبی فهلیانی، حسن، ممسنی در گذرگاه تاریخ، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۷۱.
- راج اسکارا، ب: مترجمان صفا فرخی و جعفر یعقوبی، «توسعه فن‌آوری از طریق نظام‌های دانش بومی با تحقیقات کشاورزی»، مجله جهاد سال بیست و یکم شماره ۲۲۴-۲۲۵.
- رزاقی، محمدحسین «طراحی تلفیقی دانش بومی و نوین در تهیه الگوی ترویج کشت پنبه (در منطقه روشی زاگرس)» پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی ۱۳۷۸.
- زارع، حشمت و یعقوبی، جعفر، «نگرش به دانش بومی»، مجله جهاد سال نوزدهم شماره ۲۳۰-۲۳۱.
- زرگری، علی، گیاهان دارویی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۱.
- سالنامه آماری کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مرکز آمار ایران ۱۳۸۱.
- زیست‌شناسی دوره پیش‌دانشگاهی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران (چاپ اول)، ۱۳۸۱.
- شریف‌زاده و دیگران «ساخت‌دهی چارچوبی برای ارتقای کاربری و توسعه نظام‌های دانش بومی در توسعه پایدار» مجله جهاد، سال بیست و سوم، شماره ۲۶۰-۲۶۱، آذر و دی ۱۳۸۲.
- صفی‌نژاد، جواد، عشایر مرکزی ایران، چاپ دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵.
- صفی‌نژاد، جواد، لرهای ایران، انتشارات آئید، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.
- فرهادی، مرتضی، فرهنگ یاریگری در ایران، جلد اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۴.
- علوم زیستی و بهداشت (اول دبیرستان)، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران (چاپ پنجم)، ۱۳۸۲.
- کرمی، رؤیا، مرادی، خدیجه، «جایگاه تحقیقات، آموزش و ترویج در صیانت از دانش بومی»، مجله جهاد سال بیست و یکم شماره ۲۵۵.
- گرموردی، میرزا فتح، سفرنامه ممسنی (به کوشش فتح‌الدین فتاحی) چاپ دوم انتشارات کتابخانه مستوفی، تهران، ۱۳۷۰.
- «گزارش عملکرد ادارات و نهادهای انقلاب اسلامی شهرستان ممسنی سال‌های ۷۲، ۷۳، ۷۴»، انتشارات روابط عمومی فرمانداری ممسنی، ۱۳۷۴.
- لاجوردی، سعید، «منابع طبیعی در ایران»، مجله جنگل و مرتع، فصلنامه علمی اقتصادی اجتماعی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، شماره ۵۶ پاییز ۱۳۸۱.
- متوسلیان، محمود، «اندازه‌گیری مواد مغز دانه بلوط و بررسی ارزش غذایی و دارویی آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۵۷.
- یوسفی، مسعود، «بررسی اثر تعرضات انسان و دام بر ساختار جنگل‌های بلوط یاسوج» (منطقه پاتاوه) کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تهران ۱۳۷۸.
- یوسفی، جلال، حاجی کوهی «مطالعه‌ای پیرامون ساخت‌های مختلف یک روستا» پایان‌نامه کارشناسی علوم اجتماعی، بخش برنامه‌ریزی و جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز - اردیبهشت ۱۳۷۲.